

حکایت مردی که پیامبران را تنها نگذاشت

یک پژوهشگر علوم قرآن و حدیث گفت: آیات ۲۰ و ۲۱ سوره یاسین نشان می‌دهد



یک پژوهشگر علوم قرآن و حدیث گفت: آیات ۲۰ و ۲۱ سوره یاسین نشان می‌دهد که فهم حق و حرکت در مسیر هدایت، محدود به مرکز شهر یا موقعیت جغرافیایی نیست؛ مردی از دورترین نقطه شهر، با شتاب و انگیزه ای خالص آمد و مردم را به پیروی از پیامبران خدا فراخواند.

مسجد حبیب نجار در ترکیه ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن و ماهی که شب قدر در آن چون قلبی تپنده می‌درخشد، فرصتی است تا از دریچه ای تازه به عمق قرآن کریم بنگریم. سوره مبارکه یس که پیامبر(ص) آن را قلب قرآن نامیده اند، نه تنها راهنمای ما در مسیر ایمان و هدایت است، بلکه هر آیه اش پنجره ای به سوی رازهای توحید، معاد و رحمت الهی می‌گشاید. خبرنگار ایکننا از اصفهان در سلسله گفت و گوهای به مناسبت این ماه با علی اکبر توحیدیان، پژوهشگر قرآنی و دکترای علوم قرآن و حدیث، در شماره هفتم به بررسی آیات ۲۰ و ۲۱ سوره یاسین، درس های حرکت در مسیر حق و حمایت از پیامبران، نقد شرک و اعلام ایمان بر پایه فطرت و منطق و پاداش صبر و شهادت براساس تفسیر حجت الاسلام والمسلمین محسن قرائتی می‌پردازد. این مجموعه ۳۰ قسمتی، ما را با پیوند عمیق مفاهیم هدایت، انذار، تقدیر و سبیل السلام در قرآن و همچنین رازهای نهفته در آیات سوره های یس و قدر آشنا می‌کند. ایکننا - در آغاز، متن آیات ۲۰ و ۲۱ سوره یاسین، ترجمه آن ها و توضیح ابتدایی خود را برای مخاطبان بیان کنید.

آیه ۲۰ سوره یس می‌فرماید: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ و مردی شتابان از دورترین نقطه شهر آمد و گفت: ای قوم من، از فرستادگان خدا پیروی کنید.»

آیه ۲۱: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ، از کسانی پیروی کنید که از شما مزدی نمی‌خواهند و خود هدایت یافته اند.»

آیه ۲۰ سوره یس این گونه آغاز می‌شود: «وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى؛ مردی از دورترین نقطه شهر، با شتاب آمد.» این آیه به ما می‌گوید، از همان شهری که سه پیامبر الهی در آن حضور داشتند که طبق نقل ها شهر انطاکیه بوده است، مردی از دورترین نقطه شهر، از حاشیه شهر به تعبیر امروزی، با شتاب حرکت کرد و آمد.

این مرد به اصطلاح وساطت و دفاع کرد و گفت: «يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ؛ ای مردم من، از این پیامبران پیروی کنید.» او با یقین سخن گفت که من به حقیقت این پیامبران یقین دارم. حالا داستان اینکه این مرد چگونه به این یقین رسیده، مفصل است و در خود قرآن نیامده، اما در تفاسیر و منابع دیگر به آن پرداخته شده است. او مردم را تشویق کرد که به سخن این پیامبران گوش دهند و از آنان پیروی کنند. در شماره بعد، بحث خود را درباره این ماجرا و پیام های این آیات ادامه خواهیم داد. ایکننا - از دل آیات ۲۰ و ۲۱ سوره یاسین چه پیام ها و نکاتی استخراج می‌شود؟

پیام اول این آیات عبارت است از اینکه معیار فهم حق، موقعیت جغرافیایی نیست. در این آیه تعبیر «أَقْصَى الْمَدِينَةِ» آمده است. «اقصى» یعنی دورترین و در مقابلش، «ادنی» یعنی نزدیکترین قرار می‌گیرد. قرآن می‌فرماید این مرد از دورترین نقطه شهر آمده بود؛ یعنی از حاشیه شهر، نه از مرکز.

پیام این آیه این است که دور بودن از مرکز شهر، نشانه دوری از فرهنگ، فهم، معرفت و حقیقت نیست. این طور نیست که اگر کسی به طور نمونه در تهران زندگی می‌کند، فرهنگش بالاتر از کسی باشد که در کاشان یا یک روستا به سر می‌برد. چه بسا کسی که در حاشیه است، حق را بسیار بهتر از کسی بفهمد که در مرکز شهر نشسته است.

شهری، روستایی، پایتخت نشین، شمال شهری، جنوب شهری، هیچ کدام معیار نیست. معیار، فهم حق و حرکت در مسیر آن است. این مرد از اقصی المدینه آمد، اما حق را فهمید و دیگران را هم به پیروی از حق دعوت کرد.

پیام دوم این آیه این است که حمایت از حق، محدود به منطقه و جغرافیا نیست. هر جای این کره خاکی که حقی پایمال شود، مسلمان وظیفه دارد تا آنجا که برایش میسر است، از آن دفاع کند. این آیه پاسخ کسانی است که می‌گویند: «ایران چه کار به مسئله فلسطین دارد؟» در حالی که قرآن می‌گوید مردی از دورترین نقطه شهر، برای دفاع از حق حرکت کرد. مسلمان، هر جای

دنیا که باشد، وظیفه دارد از حق حمایت کند.

پیام سوم: گاهی باید یک تنه قیام کرد. قرآن می فرماید: «رَجُلٌ» یعنی یک مرد، یک نفر. گاهی ممکن است یک شهر راه حق را نرود، اما تو یک نفر حق را می فهمی. در این صورت باید حرکت کنی و فریاد بزنی. امیرالمؤمنین علی(ع) فرمودند: «در راه حق از کم بودن پیروان نترسید.» حق را بگویند، حتی اگر تعداد شما کم باشد. کلمه «یَسْعَى» یعنی با شتاب. این حرکت، حرکت کند و بی تفاوت نیست.

پیام چهارم: طولانی بودن مسیر نباید مانع حمایت از حق شود. این مرد از دورترین نقطه شهر حرکت کرد. مسافت طولانی مانع نشد. برای حمایت از حق، سختی راه، فاصله و زمان نباید مانع شود.

پیام پنجم: انگیزه و سوز مهم تر از عنوان و مقام است. قرآن فقط می گوید: «رَجُلٌ.» نه اسمش را می برد، نه عنوانش را. چرا این کار بزرگ را کرد؟ چون سوز، انگیزه و درد داشت. گاهی ممکن است تحصیل کرده ها، دکترها، مهندس ها، حتی آیت الله ها به وظیفه شان عمل نکنند، اما یک طلبه ساده، یک دانشجو، یک جوان وظیفه اش را انجام دهد. برای حرکت در راه حق، عنوان و پرستیژ شرط نیست.

پیام ششم: اگر جان مردان خدا در خطر است، باید با شتاب اقدام کرد. این مرد فهمید جان آن سه پیامبر در خطر است، با شتاب آمد تا از آنان دفاع کند.

پیام هفتم: پیامبران الهی حامیان جسور و پرشور داشتند. این آیات نشان می دهد که پیامبران تنها نبودند؛ یارانی داشتند که شجاعانه از آنان دفاع می کردند.

پیام هشتم: مؤمن عاشق هدایت مردم است. از جمله «يَا قَوْمِ» معلوم می شود که این مرد از گمراهی مردم رنج می برد. مؤمن واقعی وقتی جامعه را در انحراف می بیند، غصه می خورد. این همان حزنی است که در نهج البلاغه هم به آن اشاره شده است.

پیام نهم: شکستن سکوت در محیط های انحرافی ستوده است. این مرد سکوت نکرد. در محیطی که انحراف بود، فریاد زد و مردم را به پیروی از حق دعوت کرد.

پیام دهم: حمایت از حق باید با سرعت، شدت، منطقی، استدلال و عاطفه همراه باشد. شدت و سرعت: «يَسْعَى»، منطقی، استدلال و عاطفه: «يَا قَوْمِ».

پیام یازدهم: اخلاص در تبلیغ شرط اصلی است. او گفت: «اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا»، این پیامبران نه پول می خواهند، نه تشکر، نه تقدیر. منادیان حق و مبلغان نباید کارشان پولی شود. نباید بگویند اگر فلان قدر بدهید، می آیم، اگر ندهید، نمی آیم. گاهی تشنگی به تشکر و تعریف، از پول هم خطرناک تر است. اخلاص شرط جذب مردم است.

پیام دوازدهم: هدایتگر باید خود هدایت شده باشد. قرآن می فرماید: «وَهُمْ مُهْتَدُونَ»؛ یعنی این پیامبران خودشان هدایت یافته اند، پس می توانند دیگران را هدایت کنند.

پیام سیزدهم: پیروی از عالم بی هوس. باید از عالمی پیروی کرد که اخلاص داشته باشد، دنبال پول، شهرت و تشکر نباشد و هوای نفس نداشته باشد. ایکن - آیات ۲۲ تا ۲۷ سوره یس و ترجمه آن ها را نیز بیان کنید.

آیه ۲۲ سوره یس می فرماید: «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ و چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است، در حالی که شما همگی به سوی او بازگردانده می شوید؟»

آیه ۲۳: «أَتُخَذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةٌ إِنْ يُرَدُّنَ الرَّحْمَنُ يَضْرِبُ لَكَ نُجُومًا مِثْلَ سَفْعِ الشَّجَرِ وَمَا يُنْقِدُونَ؛ آیا جز او معبودانی بگیرم؟ اگر خدای رحمان بخواهد آسیبی به من برساند، شفاعت آنان هیچ سودی برای من نخواهد داشت و مرا نجات نخواهند داد.»

آیه ۲۴: «إِنِّي إِذَا لَفِي صَلَائِ مَبِينٍ؛ در این صورت، قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود.»

آیه ۲۵: «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ قَاسِمُونَ؛ من به پروردگار شما ایمان آورده ام، پس سخن مرا بشنوید.»

آیه ۲۶: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ؛ به او گفته شد: وارد بهشت شو، گفت: ای کاش قوم من می دانستند.»

و آیه ۲۷ سوره یس: «يَمَّا عَفَرَ لِي رَيِّ وَيَّ وَجَعَلَنِي مِنَ الْمَكْرَمِينَ؛ که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد.»
ایکنا - این آیات چه مفهومی دارند و پیام کلی این بخش چیست؟

آیه ۲۲ بیانگر ندای فطرت است: «وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي؛ یعنی مرا چه می شود؟ چرا کسی را که مرا آفریده و بازگشت من به سوی اوست، نپرستم؟ این ندایی درونی و وجدانی است.

آیه ۲۳ نقد شرک با منطق روشن را می رساند: «أَتُخَدُّ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً؛ آیا غیر از خدا، معبودانی را انتخاب کنم؟ شفاعت آن ها هیچ سودی نخواهد داشت و قدرت نجات من را ندارند.

آیه ۲۴ نتیجه روشن شرک را بیان می کند. اگر چنین کاری کنم، «إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ یعنی در گمراهی آشکار خواهم بود.

آیه ۲۵ نیز اعلام ایمان علنی است: «إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ قَاسِمَعُونَ؛ ای مردم، بدانید که من به پروردگار شما ایمان آورده ام.» این دعوت هم زبانی و هم عملی است.

در روایات پیامبر اکرم(ص) آمده که صدیقین، سه نفرند که این مرد، حبیب نجار بوده است: حبیب نجار (مؤمن آل یاسین)، حزقیل (مؤمن آل فرعون که سوره «مؤمن» به جریان او اشاره دارد) و امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب(ع).

میان آیه ۲۵ و ۲۶ حادثه ای بزرگ رخ می دهد؛ در قرآن به صراحت بیان نشده، اما مفسران گفته اند که این مرد را سنگسار کردند. برخی گفته اند او را زیر مشت و لگد به شهادت رساندند؛ اما قرآن بلافاصله در آیه ۲۶ درباره ورود فوری به بهشت می فرماید: «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ.» مفسران، از جمله علامه طباطبایی(ره)، آیت الله مکارم شیرازی و دیگران می فرمایند: «دلیل اینکه قرآن مستقیماً به ورود به بهشت اشاره می کند، این است که شهادت و ورود به بهشت، پشت سر هم و بی فاصله انجام شد.»

و آیه ۲۷ نشان دهنده دغدغه همیشگی هدایت است: «قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ؛ حتی پس از شهادت، این مرد دغدغه هدایت مردم را داشت.